

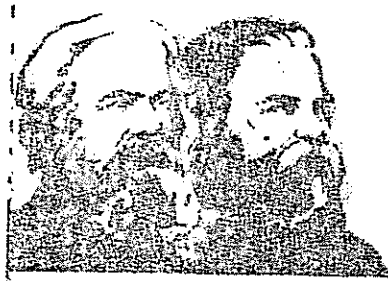
# زنده پاو اول ماه مه شرح

اول ماه مه جشن جهانی کارگر، روز برافراشته تر ساختن پرچم رهایی پرولتاریا و خلقتهای مستندیده جهان است. در اول ماه مه، هر کارگری با جدیت بیشتر به این سؤال میندیشد که این وضعیت محنت - بار تا به کی ادامه خواهد یافت و آیا بالاخره روزی به پایان خواهد رسید یا نه؟ هر کارگر مبارزی ز خود میبرد، مفهوم رهایی برای طبقه ما چیست و راه رسیدن به آن کدام است؟ در اول ماه مه، عیثروان انقلابی طبقه کارگر با صدائی رسا پاسخ به این سئوالات را بار دیگر در سراسر جهان اعلام میکنند:

ما برای ایجاد جهانی نوین و کاملاً متفاوت با جهان موجود نبود میکنیم. جهانی که در آن اثری از طبقات و از تمایزات و تبعیضات و تحقیر طبقاتی نیست. جهانی که در آن نشانی از برتری و سلطه مرد بر زن نیست. هیچ رنگی بر رنگ دیگر و هیچ ملتی بر ملت دیگر سلطه نخواهد داشت. جهانی بدون استثمار. جهانی که در آن فقر و فلاکت و بیکاری، دزدی و تجاوز و جنایت و فحشا و اعتیاد وجود ندارد. جهانی که از جنگ و کشتار عاری خواهد بود. جهانی که در آن بهر از بنده هرافات رسته است و از نیروهای ناموجود فوق بشری تبعیت نخواهد کرد. جهانی که در آن بشر خود و جامعه و طبیعت را آنگونه که واقعا هست میشناسد و بد تغییر آن میپردازد. جهانی که در آن همهگان به اندازه توانائیشان برای بهروزی جامعه و نسل های آتی کار میکنند و به اندازه نیاز خود از محصولات و منابع و امکانات جمعی استفاده می نمایند. جهان کمونیستی.

## آیا این یک رویاست؟

بدون شك چنین جهانی را هر پرولتر و رنجبر آگاه روز و شب در ذهن می آورد و آرزوی تحققش را در سر میپوراند. این رویا و آرزویی واقعی و دست یافتنی است که تکامل جامعه بشری شرایط وقوعش را در این عصر تاریخی فراهم آورده است. رسالت رهبری جهان بسوی این تحول عظیم را تاریخ بر دوش طبقه کارگر نهاده است. طبقه ای که آگاهترین، دوراندیشترین، انقلابیترین و پیگیرترین طبقه اجتماع است. طبقه ای که هیچ نفی در ابقا، نظام طبقاتی حاکم ندارد و برآستی جز زنجیرهای بردگی هیچ چیزی را تحت این نظام ماحب نیست. طبقه ما یک طبقه جهان نیست که پیش از یکصد سال است در راه نابودی جهان طبقاتی گام نهاده و تجارب و دستاوردهای گرانبهای نیز در میدان نبرد کسب کرده است. این برادران و خواهران ما بودند که در سال ۱۸۷۱ به عرش اعلی یورش بردند و نخستین حکومت کارگری را بمدت کمتر از ۳ ماه در قالب «کمون پاریس» در کشور فرانسه برپا کردند و در دلچایا سرمایه داری وحشت افکندند. اینها کمونیستها بودیم که توده های کارگر و دهقان را در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ رو...



کارل مارکس و فریدریش انگلس  
بنیانگذاران مکتب کمونیسم

نخستین انقلاب سوسیالیستی - رهبری نمودیم و دیکتاتور پرولتاریا را بنیان نهادیم و ضربه سختی بر نظام امپریالیستی وارد ساختیم. این ما مارکسیست - لنینیستها بودیم که در نتیجه ۲۷ سال جنگ انقلابی، جمهوری خلق را در چین برقرار ساختیم و پا در جاده ساختمان سوسیالیسم نهادیم. این ما مائوئیستها بودیم که برای رفع موانع راه پیشروی بسوی انقلاب جهانی پرولتری و کمونیسم، انقلاب را تحت دیکتاتور پرولتاریا ادامه دادیم، کسانی که در حزب کمونیست و دولت سوسیالیستی ماحب قدرت بودند اما میخواستند جامعه را به راه سرمایه داری باز گردانند از قدرت بزرگ کشیدیم و انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی را برپا نمودیم. آری برای دستیابی به جامعه نوین، ما بیکارهای دشوار

و پیچیده‌ای را به پیش برده ایم و خواهیم برده پیروزیهای بزرگی را کسب کرده و بیش از این خواهیم نموده شکستها و مشکلات راه را جبران خواهیم کرده از عقبگردهای تاریخی خود نظیر پیروزی بورژوازی و شوروی بعد از مرگ رفیق استالین و در چین بعد از مرگ رفیق ماوتسه تون که به از دست رفتن این دو نژاد سوسیالیسم انجامید موسسات آموزشی و این آموخته‌ها را در پیکارهای امروز و فردا بکار می‌بندیم. هر کارگر و هر رنجبر طالب رهایی باید بداند که این پیکاری طولانیست. همانطور که نشستن نظام فتودالیسم بجای برده داری صدها سال طول کشیده همانطور که برای پیروزی کامل انقلاب بورژوازی در فتودالیسم در اروپا چند قرن وقت لازم بوده روشن است که انقلاب پرولتری و نابودی نظام مبتنی بر بهره‌کشی انسان از انسان نیز دوره‌ای نسبتاً طولانی را شامل خواهد شد که پر خواهد بود از شکستها و پیروزیها برای توده‌های خلق تحت رهبری طبقه کارگر. طبقه ما دهها سال است که آماده‌گرم عزم خود را برای بیاموزن این راه اعلام داشته است. این عزم و آمادگی اینک بیان آگاهانه و متشکل خود را در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی می‌یابد. این تشکیلات متحد کننده احزاب و سازمانهای مارکسیست-لنینیست. ماوتسیست از سراسر جهان است که برای ایجاد یک «انترناسیونال» نوین جهت پیشبرد انقلاب جهانی پرولتری می‌رزمند. «جنبش انقلابی انترناسیونالیستی» و «بیانیه» آنه چکیده بیش از یک قرن نبرد پرولتاریا در راه رهایی بشر از چنگال استم و استثمار است و خروش جنگ علیه جهان سرمایه را از افغانستان گرفته تا کلمبیا، از هائیتی تا بنگلانده از نیال تا تونس و از آمریکا تا هند از سیلان تا انگلستان و از ایتالیا تا پروه از نیوزیلند تا ایران و از ترکیه تا اسپانیا و بولیوی سر داده است.

### چه نیروهائی میکوشند سد راه ما شوند؟

آنچه رویای ماست برای بخش دیگری از جامعه بشری که بوسه حساب می‌آید: برای آنهایی که سرمایه و سود و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و نم مادی برایشان جاودانی و مقدس است. برای آنهایی که در حفظ مرسلاری و پدرمالاری نفع و امتیاز اجتماعی و اقتصادی دارند. کسانی که در رقابت با سایر استثمارگران میخواهند حیطه نفوذ خود را رسمیت بخشند و مرزهای خود را داشته باشند. کسانی که



لنین رهبر انقلاب کبیر آموزشگار پرولتاریای جهانی

بهره‌کشی از توده‌های هم‌زبان و هم‌فرهنگ در سرزمین «خودی» را در درجه اول حق مسلم خود میدانند. آنها که برای حاکمیتشان توجیهات آسمانی دارند و با حربه دین و طبقات استمکش را به سکوت و اطاعت فرا میخوانند. در راس دشمنان کمونیسم و بورژوازی امپریالیستی قرار دارد که اروپا با آن جهان امروز محسوب میشوند. طبقات استثمارگر حاکم در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم که نوکران محلی دولتها می‌بزرگند: ضد کمونیسم و کمونیستهای انقلابی هستند. دشمنان ما برای سرکوب انقلاب و نور کردن توده‌ها از آگاهی طبقاتی جنگ و کشتار جمعی برآه می‌اندازند: تعقیب و حبس و شکنجه و اعدام انقلابیون را در پیش می‌گیرند. علیه جنبشها و انقلابات دروغپردازی میکنند: به تحریف تجارب پیروزمند طبقه کارگر در راه ایجاد جامعه نوین می‌پردازند و به ترویج و القاء ایدئولوژیها و ارزشهای متعلق بخودشان در صفوف خلق دست می‌زنند. امروز امپریالیستها و نوکرانشان نظیر رژیم جمهوری اسلامی از «مرگ» یا «شکست» کمونیسم می‌گویند و بدروع اتحاد شوروی سابق و کشورهای بلوک شرق - که در آنها سرمایه داری دولتی و بورژوازی حاکم بود - را «سوسیالیستی» معرفی میکنند تا ستمدگان و استثمارشدگان را نسبت به سوسیالیسم و کمونیسم بدبین نمایند. تصریف تاریخ و هوشهایی که بورژوازی بین المللی در مورد «جنايات» رفیق استالین و بلشویکها یا رفیق ماو و انقلابیون چین سر هم میکند همگی همین هدف را تعقیب مینماید. میخواهند طبقه کارگر جهانی بقبولانند که «ما هیچگاه قادر نیستیم



استالین رهبر پرولتاریا بخلقها دستمیده جهان

با معنای بهتر و عادلانه تر از آنچه موجود است بسازید. اگر قدرت بدستتان بیفتد نتیجه‌ای جز فاجعه  
ببار نخواهد آورد. پس بهتر است از حق حاکمیت و اعمال دیکتاتوری پرولتاریا چشم ببوشید. «اربا یک  
پهان از ما میخواهند که کمونیسم و انقلاب را کنار بگذاریم و به لیبرالیسم، دمکراسی بورژوائی یا  
اسیونالیسم و مذهب آویزان شویم و حداقل برای یک قرن دیگر به سلطه جهانی آنان تحت یک نظم  
وین جهانی» گردن گذاریم. آری دشمنان طبقاتی ما هم رویاهای خود را دارند. رویاهای آنان کابوس  
وده‌های خلق است.

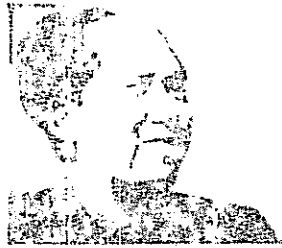
### امروز پرچم انقلاب پرولتاری بر فراز کدامین قله در اهتزاز است؟

در آنسوی دریاها و اقیانوسها، در قاره‌های دیگر، بار دیگر دولت نوین - دولت پرولتاری - در حال  
زاده شدن است. این خواهران و برادران ما در کشور پرو هستند که با پیشبرد جنگ درازمدت انقلابی  
مناطق مهمی را تاکنون آزاد کرده اند و در این مناطق آغاز به ساختن نظامی نوین با قیامی نوین -  
فرهنگی نوین و انسانی نوین نموده اند. آنها میروند تا قدرت سیاسی سراسری را کسب کنند.  
انقلاب پرو در پی استقرار شکلی از دمکراسی بورژوائی و سهم دادن به جناحهایی از ملاکان یا  
بورژوازی بزرگ - این دشمنان خلق - نبوده بلکه سرنگونی کل طبقات ارتجاعی حاکم و درهم شکستن کل  
ماشین دولتی کهن اعم از ارتش و بوروکراسی و پارلمان و غیره است. انقلاب پرو حتی سر سوزنی از  
قدرت‌های امپریالیستی و ارتجاعی کمک تسلیحاتی و مالی نمیگیرد و در پی جلب پشتیبانی سیاسی از  
دشمنان انقلاب جهانی نیست. انقلاب پرو بر وحدت پولادین طبقات تحتانی - کارگران و دهقانان فقیر -  
استوار است. انقلاب پرو پرچم انترناسیونالیسم پرولتاری را برافراشته و تعهد خود به انقلاب جهانی  
را اعلام داشته است. حزب کمونیست پرو که رهبری این انقلاب را بدست دارد عضو جنبش انقلابی  
انترناسیونالیستی است. این حزب، ارتش چریکی خلق که عمدتاً متشکل از دهقانان فقیر است را  
سازمان داده، جنگ خلق را برپا ساخته و برنامه انقلاب دمکراتیک نوین و گذار به سوسیالیسم را  
به پیش می‌برد. به یک کلام انقلاب پرو سرشق درخشان برای پرولترها و خلقهای  
همه کشورهاست.

### کرهستان و سراسر ایران نیز بایگانه سرخی برای انقلاب جهانی خواهد شد

کمک و وظیفه عمده طبقه کارگر در هر کشور نسبت به انقلاب جهانی و انترناسیونالیسم پرولتاری  
نجام انقلاب و کسب قدرت سیاسی در آن کشور است. با وقوع هر انقلاب، با جدا شدن حلقه دیگری از  
رنجیر جهان امپریالیستی، نیروی عظیمی آزاد میشود. میلیونها توده نه فقط در آن کشور که در سراسر  
پهان از این انقلاب الهام میگیرند و به جوش درمی آیند. آرمانها، اهداف، فلسفه، برنامه و ارزشهای  
این انقلاب فراگیر میشود. کارگران طالب رهایی در ایران باید به انقلاب و دورنمای آن، و نتیجتاً  
سولیتی که بر دوشان نهاده شده، اینگونه نگاه کنند. طبقه ما باید امر سرنگونی قهرآمیز رژیم  
جمهوری اسلامی یا هر رژیم ارتجاعی رنگ و لعاب زده‌ای که بخواهد جانشین آن شود را رهبری نماید.  
رای اینکار باید بتواند خلق را در جنگی درازمدت متحد کند و دشمن را در نقاط ضعفش مورد هجوم  
رار دهد تا سرانجام شرایط را برای فتح نژادهای اصلی و مستحکم دشمن و کسب سراسری قدرت سیاسی  
ایجاد نماید. کرهستان یکی از این نقاط ضعف دولت ارتجاعی در ایران است. فشار بحران اقتصادی و  
امنه فقر و فلاکت توده‌ها آنچنان گسترده است که هیچ وعده یا هیچ اقدام بظاهر عمرانی و رفاهی  
رژیم هم نمیتواند از انفراد و انزوای دولت مرکزی در کرهستان بکاهد. وجود ستم ملی نیز باعث  
انفراد هرچه بیشتر رژیم گشته است. بورژوا - ملاکان حاکم از ابزار ستمگری ملی جهت تشدید ستم  
کارگران و زحمتکشان کرد فراوان جسته اند. در عین حال ستم ملی عامل ضدیت اقشار و طبقات  
یانی و مرفه با دولت مرکزی هم هست. این اقشار و طبقات امیال و اهداف خود را به ترونی جنبش  
می‌آورند و میکوشند ایندولولوژی و راه خود را بر این جنبش حاکم نمایند. ناسیونالیسم، بورژوا دمکراتیک  
اسی و فرمیسم مشخصه این نیروهای اجتماعی است. این نیروها رفع ستم ملی را در گرو تحول ریشه‌ای

نظام اقتصادی - اجتماعی موجود یعنی نابودی سرمایه داری بوروکراتیک و نیمه فئودالیسم و سرمایه داری امپریالیسم نمی بینند. اینان اغلب بدنیاال برخی تغییرات سیاسی و روحیاتی نظیر توافق دولت مرکزی و مرکزی با نوعی خودمختاری هستند که در واقع چیزی نیست جز دادن سهم به طبقات توانگر مانت کردن با هدف حفظ موقعیت اسارت کارگران و دهقانان. امید بستن به عقب نشینی دولت مرکزی در مقابل دولت فئودالی ملی یا دل بستن به معادلات بین المللی و طرح های منطقه ای امپریالیستها و با خود فریبی است با عوام فریبی. تا وقتی کل ماشین دولتی کهنه درهم کوبیده نشود ستم ملی یا برتری و سلطه استبداد بر ملل دیگر در چارچوب یک کشور واحد باز تولید و تضمین خواهد شد و تا زمانیکه استبداد امپریالیسم بطور کامل قطع نگردد و سیاست استکبار به امپریالیستها تعقیب شده ادعای دفاع از دفاع و حقوق ملی یک دروغ بزرگ خواهد بود؛ زیرا ستمگری ملی در ابعاد بین المللی یکی از ارکان موجودیت نظام امپریالیستی و تأمین سودهای کلان برای بورژوازی کشورهای پیشرفته سرمایه داری است. «استقلال» اهدائی امپریالیستها چیزی فراتر و بهتر از استعمار نوین نخواهد بود.



مائوسسه دون

فقط انقلابی که تحت رهبری طبقه کارگر و حزب پیشاهنگش باشد قادر است در جهت محور کلیه معضلات و مصائب برخاسته از نظام امپریالیسم منجمد ستم ملی حرکت کند. چرا که فقط طبقه کارگر خواست و توانائی تا بودی ستم و استثمار و گسستن بندهای جامعه از شبکه جهانی امپریالیستی را دارد. بورژوا ناسیونالیستها نه خواست و توانائی این کار را دارند و گاه نه حتی ادعایش را.

مائوسسه تنها به موقعیت کردستان و مسائل مقابل پای انقلابی رهبر انقلاب چین و

در اینجا چنین مینگریم: طبقه کارگر باید بتواند در اتحاد بسا آموزش و پرولتاریای جهانی دهقانان - بویژه دهقانان فقیر - ستون فقرات محکمی برای برپائی جنگ خلق بوجود آورد. در عین حال باید بتواند کلیه اقشار و طبقات خلق را که از ستم امپریالیستی و ملی رنج میبرند تحت پرچم انقلاب دمکراتیک نوین متحد و رهبری کند. باید دانست که تنها با اعلام مخالفت در برابر ناسیونالیسم و تهیه و تکرار چند شعار اقتصادی - رفاهی یا شعارهای محدود سیاسی برای کارگران نمیتوان اثر نفوذ و غلبه ایدئولوژی و استراتژی طبقات غیر پرولتری در انقلاب جلوگیری نمود. رسالت طبقه کارگر تبدیل کردستان به یک پایگاه سرخ است که در آن دولت نوین، اقتصاد و فرهنگ نوین تطفه میبندد و روند انقلاب در سراسر ایران و در کل منطقه و جهان را شتاب میبخشد. باشد تا پرچم کمونیسم انقلابی و شعله های فروزان جنگ خلق را در سراسر منطقه برپا داریم و افق انقلاب جهانی پرولتری و رهائی بشر را روشنتر و نزدیکتر سازیم.

بسرای آیننده کمونیستی نرسد کنه

مرگ بر نظم جهانی امپریالیستی - کهن و نوین!

مرگ بر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی!

زنجیرها را بگسلیده خشم زنان را بمثابه نیروی قدرتمندی برای انقلاب رها کنید!

زننده بسا جنبش انقلابی آنترناسیونالیستی!

زننده بسا آنترناسیونالیسم پرولتاری!

اتحادیه کمونیستهای ایران (سریداران) - کمیته کردستان

اول ماه مه ۱۹۹۲ - یازده اردیبهشت ۱۳۷۱